

آداب و رسوم مردم قزوین در مراسم مختلف

به عقیده مادر بزرگ‌های قزوینی اگر در این شب ننه سرما گریه کند باران می‌بارد، اگر پنبه‌های لحاف بیرون بریزد برف... می‌آید و اگر گردنبند مرواریدش پاره شود

شب چله مردم استان قزوین نیز همچون دیگر هموطنان ایرانی، این آیین کهن را با رفتن به خانه بزرگ ترها می‌گذرانند. به شب چره» معروف است، همراه با «عقیده بزرگ‌ترها صرف میوه‌های مختلف خشک و تر و میوه‌های سرخ فام که به خوراکی‌های دیگر شگون داشته و زمستان پربهرکتی را نوید می‌دهد. در بعضی مواقع که مادر بزرگ‌ها در آوردن تنقلات تاخیر می‌کنند کوچک ترها شعر «هرکه نیارد شب چره- انبارش موش بچره» سر می‌دهند، که مادر بزرگ در آوردن «شب چره» تعجیل می‌کند

در این شب اغلب مردم قزوین با خوردن سبزی پلو با ماهی دودی و سپس هندوانه، انار، انواع تنقلات از جمله کشمش، گردو، تخمه، آجیل مشکل گشا و انجیر خشک، شب نشینی خود را به اولین صبح زمستانی گره می‌زنند. به عقیده مادر بزرگ‌های قزوینی اگر در این شب ننه سرما گریه کند باران می‌بارد، اگر پنبه‌های لحاف بیرون بریزد برف می‌آید و اگر گردنبند مرواریدش پاره شود تگرگ می‌آید

فرستادن «خونچه چله» از سوی داماد به عنوان هدیه زمستانی برای عروس است. «یکی دیگر از آداب و رسوم «شب یلدا در این خونچه برای عروس پارچه، جواهر، کله قند و ۷ نوع میوه مثل گلابی، هندوانه، خربزه، سیب و به با تزئینات خاصی فرستاده می‌شود

موسیقی

موسیقی رایج در شهر قزوین تفاوت چندانی با موسیقی دستگامی ایران ندارد. تنها در گذشته این آوازها و دستگاه‌ها که در مکتب‌های متفاوت اجرا می‌شد از جمله مکتب خراسان، مکتب تهران و ... مکتبی نیز وجود داشته به نام مکتب قزوین که امروزه فراموش شده است. این مکتب تا اواخر دوران قاجاریه رایج بود، در آن زمان هنرمندانی مانند: اقبال سلطان ملقب به اقبال آذر که از اساتید مسلم آواز ایران به حساب می‌آید از قزوین به شهر تبریز مهاجرت می‌کنند. او با تلفیق این شیوه آوازی و موسیقی آذری مکتب تبریز را پایه‌گذاری می‌کند



جشن‌ها

جشن انار

در بخش تارم اواخر شهریور ماه یا اوایل مهر یک روز از قبل تعیین می‌شود تا در آن روز اهالی روستا دسته جمعی به مزارع انار بروند و به همراه نواختن دایره و یا سرنا و دهل شروع به چیدن انار کنند. تا قبل از این روز کسی حق ندارد

اناری بچیند. جشن فندق

رودبار شهرستان از جمله مناطقی است که فندق به طور عمده کشت می گردد. در بسیاری از روستاهای این ناحیه در اواسط مرداد ماه جشن فندق به پا می کنند و به مانند انار چینی همه با هم به مزارع می روند در ابتدا شخصی با خواندن اشعاری که بیشتر به صورت بداهه می باشد و دیگران اشعار او را واگویه می کنند سپس همه شروع به چیدن فندق می کنند دوشیزگانی که نامزد شده اند برای همسران خود از هسته فندق رشته ای به مانند گردنبند درست می کنند به این صورت که زمانی که هسته هنوز خشک نشده با سوزن آنها را سوراخ می کنند و نخ از آن می گذرانند و در پایان دو سر نخ را به هم گره می زنند. آنها به این گردنبند ” گلوانه ” می گویند و آن را نگه داشته تا در فصل زمستان به شوهرانشان هدیه دهند

کشتی پهلو به پهلو

این نوع کشتی که از قدیمی ترین انواع کشتی محسوب می شود هنگام مراسم عروسی انجام می گیرد. بدین صورت که دو نفر در کنار یکدیگر به پشت می خوابیدند و پاهای خود را (دو پای مخالف که در کنار یکدیگر هستند) به هم گره می کردند و شروع به زور آزمایی می کردند. شخصی که دارای نیروی بیشتری بود می توانست پای رقیب خود را زودتر از متاسفانه این کشتی امروزه به فراموشی سپرده شده است. کوسه زمین بلند کند و حریف خود را از جای حرکت بدهد (گلین (کوسن گلین

ایرانیان برای مبارزه با این دیو علاوه بر کارهای عملی، اهریمن خشکسالی یکی از قدیمیترین دشمنان ایران زمین است. همچون حفر قنات و ساخت آب انبار دست به یک سری مناسک اعتقادی نیز می زدند که مراسم کوسه گلین از آن نوع است. این مراسم که به اشکال مختلف در ایران اجرا می شده در منطقه قزوین نیز به چند شیوه اجرا می شده است؛ بدین صورت که پیر زنی بوسیله پارچه و لباسهای کهنه، عروسی کوچک درست می کند، آنرا دست گرفته و در کوچه ها به راه می افتد و بچه ها نیز پشت سر او حرکت می کنند آنها به هر خانه که می رسند صاحب خانه از وسایل تهیه آش چیزی به آنها می دهند مانند نخود، رشته و ... همه آنها را جمع می کنند و آشی می پزند و بین اهالی تقسیم می کنند مردم معتقدند که پس از چندی باران خواهد آمد. این رسم را در سالهایی که دچار خشکسالی بوده برگزار کرده اند



چمچه خاتون

نوعی دیگر از مراسم طلب باران است و آن بدین صورت است که داخل یک قده آب می ریزند و آن را به پشت بام می برند و با یک چمچه کم کم آب داخل آن را به طرف آسمان می پاشند

چوب جنگ

در بیشتر روستاهای استان قزوین یکی از سرگرمیهای جوانان در روز عروسی، چوب جنگ می باشد. جوانان با در دست گرفتن چوب در حین اجرای رقص پا به طور نمایشی با یکدیگر به مبارزه می پردازند



پنجاه به در

هر ساله بعد از ظهر روز نوزده اردیبهشت، پنجاهمین روز سال، از زمانی که زهر آفتاب ظهردم گرفته می شود، مردم قزوین منازل خود را ترک می کنند و به مصلائی شهر می روند. این مصلا در میان باغهای جنوب شرقی شهر واقع شده است در گذشته در این مکان یک آب انبار و یک مسجد وجود داشته که تنها بخشی از آب انبار آن به جا مانده است. تیر (گان) (تیر ماه سیزده)

این جشن که همان جشن تیرگان ایران باستان می باشد در روز سیزدهم تیرماه برگزار می شد. آیین های سوگواری شامل: سیزدهم محرم و درخت خونبار می باشد.

پوشاک مردان

استفاده از کلاه در گذشته بین مردان بسیار متداول بود و هر شخص به فراخور شغل و نیز وضعیت اقتصادی از نوعی کلاه استفاده می کرد.

پیراهن ها معمولاً به رنگ سفید و ساده تهیه می گردید و تکمه یقه آن بر شانه چپ بسته می شد. در میان سینه چپ از شانه تا زیر سینه چاک داشت. پس از آن پیراهن هایی با یقه های بلند به نام یقه قزاقی متداول شد و سپس یقه ملایی جای آن را گرفت. تن پوش دیگری که مردان قزوینی استفاده می کردند، از خالق بسیار بلندی بود که تا انتهای پا می رسید. یقه آن در ناحیه کمر تنگ، و دامن آن بسیار گشاد بود و در دو پهلو دارای چاک که تا کمر می رسید. شلوار ایستاده و جلو باز بود افراد کم در آمد از کرباس به رنگ آبی یا مشکی بود. بلند و گشاد و در لیفه آن از بند استفاده می کردند. بند تنبان از نخ پنبه بافته می شد. اشخاص اعیان از شلوارهای دکمه ای استفاده می کردند.

اغلب مردان در گذشته گیوه به پا داشتند به نامهای جوراب و آجیده که در فصل تابستان مورد استفاده قرار می گرفت. اشخاص اعیان گیوه های بسیار ظریف و مرغوب تری می پوشیدند که به گیوه ملکی معروف بود.

پوشاک زنان

در گذشته زنان قزوینی زیر پیراهن خود شلیته به پا می کردند، به طوری که یک و جب و یا حتی کمتر از دامن بیرون می آمد. جنس پارچه آن اغلب ململ، چیت کرباس و در انواع ساده و متنوع گلدار و یا مشکی انتخاب می شد. جوانان اغلب روی شلیته با نخهای رنگی گلدوزی می کردند. شلیته گلدار جوانان دارای سجاف پهن بوده است و انواع دیگر به جای سجاف لیفه دار بوده و برای شلیته لیفه دار از پارچه ای ضخیم و سنگین مانند مخمل ترمه و تافته ابریشمی و ... استفاده می کردند.

قسمت پایین شلیته را با دست دوخته و به حالت تزیین بوده که به آن دالبر و دندان موشی گفته می شد.

یل یا نیم تنه قزوینی که حدوداً صد سال پیش در بین اعیان متداول بوده با استفاده از پارچه ترمه با آستری از پارچه تافته به رنگ کرم تهیه می شده که در قسمت جلو هیجده دکمه فلزی پی در پی روی آن دوخته می شد. زنان در زیر شلیته خود شلوارهایی به رنگ مشکی می پوشیدند که دمپای آن تنگ بود و بالای آن فراخ. این شلوار دارای یقه بود و آن را با بند تنبان می بستند. پاپوش زنان نیز به فراخور وضع مالی خانواده دارای انواع مختلف بوده که در تابستان گیوه های ظریف می پوشیدند. زنان اعیان از کفشهای چرمی با مدلهای متداول در زمان خویش استفاده می کردند.

به جز انواع پوششی که ذکر آنها رفت، انواع دیگر نیز در منطقه استفاده می شده است. از جمله: کوئینگ، جومه، کراس، ... شگ، کول چوغا، قرقره تمبون، اوزون تنبون و

خوراک

قیمه نثار، دم کباب، قیمه آب دار، دیماج، رشته پلو با ماهی، آش شله قلمکار، آش آلو، آش دوغ، آش شیرین، آش دندان
کشه، ماش پیاز